

بسم الله الرحمن الرحيم

شناخت صراط مستقیم

ایجاد انگیزه :

یکی از واژه‌هایی که در قرآن کریم زیاد آمده است و ما هر روز در نماز حداقل ده بار او را از خدا می‌طلبیم، واژه و کلمه‌ی صراط مستقیم است.

صراط مستقیم به معنای راه و طریق استوار است. این کلمه در هیچ جای قرآن کریم به صورت جمع نیامده، همه جا «صراط» مفرد آمده است، مثل کلمه‌ی «نور»، که در هیچ جای قرآن به صورت جمع نیامده و در همه جا مفرد است. ما حداقل روزی ده بار در نمازهای واجب از خدا می‌خواهیم: «اهدنا الصراط المستقیم»، که معنایش این است: «أدم لنا توفيقك الذي أطعناك في ماضي أيامنا حتى نطيعك كذلك في مستقبل أعمارنا» (۲: بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۵۲؛ تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۸)؛ یعنی خداوند، توفیقاتی که در گذشته بر ما ارزانی داشتی و به برکت آن تو را اطاعت کردیم همچنان ادامه ده تا در آینده‌ی عمرمان نیز تو را اطاعت کنیم. زمانی کسی چیزی ندارد و آن را تقاضا می‌کند اما گاهی کسی آن را دارد و از خداوند تقاضای استمرار و ماندن آن را می‌کند. اتفاقاً می‌فرماید: اگر می‌خواهید شیطان را پیدا کنید باید آن را کنار صراط مستقیم پیدا کنید. چون همین جا سراغ مؤمنان می‌آید، کسی که از جاده بیرون رفته دیگر نیاز نیست، شیطان بیاید. شیطان می‌گوید: «لأقعدن لهم صراطك المستقیم» (۱: اعراف، ۱۶)؛ من در همین صراط مستقیم می‌آیم می‌نشینم، من در نماز سراغت می‌آیم، موقع قرآن خواندن سراغت می‌آیم، در عزاداری سراغت می‌آیم، من از طریق همین صراط مستقیم سعی می‌کنم انسان‌های متدین را به انحراف بکشم

متن و محتوا :

معانی صراط مستقیم

سؤال: صراط مستقیم یعنی چه؟

۱- عبادت و اطاعت همراه با معرفت خداوند

یک معنای صراط مستقیم در سوره‌ی یس آمده است: «و أن اعبدونى هذا صراط مستقیم» (۲: یس ۶۱)؛ خدا می‌فرماید: مرا عبادت کنید همراه با معرفت و شناخت، اگر اطاعت مرا کنید این صراط مستقیم

است. پس یک معنای «راه مستقیم» عبادت و بندگی خداست، یعنی اطاعت غیر خدا را نمودن و راه معصیت خدا را نپیمودن. ما از ائمه‌ی معصومین اطاعت می‌کنیم؛ چون این همان اطاعت خداست. اما در یک جایی کسی فرمانی به انسان می‌دهد که این با فرمان خدا منافات دارد، حتی فرض کنید پدر به فرزند می‌گوید: برو دم در بگو پدرم نیست، یعنی دروغ بگو. این دروغ گفتن امری خلاف فرمان خدا است، دروغ گفتن اطاعتی خلاف اطاعت خدا است. مثلاً رفیقی داری که می‌گوید: بیا این جا این دروغ را بگو تا این وام را به من بدهند. این امری خلاف فرمان خداست، خدا می‌گوید دروغ نگو. این جا اگر مصالح شخصی و رفاقتی را مقدم کردی، این یعنی خروج از صراط مستقیم. یک معنای صراط مستقیم این است که همه جا از خدا اطاعت کنی و هر کجا تعارض پیدا کرد آن تعارض را کنار بگذاری، و آنچه را که تنافی پیدا کرد کنار بگذاری. امیرمومنان فرمود: «بئس الرجل من باع دینه بدنیا غیره» (۱: غررالحکم، ح ۲۲۲)؛ بدبخت‌ترین مردم کسی است که دینش را به خاطر دنیای دیگران بفروشد؛ عمروعاص دینش را به خاطر دنیای معاویه فروخت، عمرسعد دینش را به خاطر دنیای ابن زیاد و یزید فروخت، خولی دینش را به خاطر دنیای سردمداران بنی امیه فروخت. من دروغ بگویم که کار شما راه بیفتد، من ربا بگیرم که کار شما راه بیفتد، من پارتی بازی کنم که کار شما جلو بیفتد، این یعنی خروج از صراط مستقیم.

عالم نمای دین فروش

امام علی ابن‌الحسین (ع) - بعد از قضایای کربلا- در مسجد شام نشسته بود، یک خطیب بی‌دین که دینش را به دنیا فروخته بود، داشت بالای منبر صحبت می‌کرد آن هم به نفع یزید که: بلکه، یزید را خدا پیروز کرد و چنین شد. خیلی شلوغ کرده بود، امام بلند شد، فرمود: «و یلک أیها الخاطب»؛ ای آقای که سخنرانی می‌کنی، «اشتریت مرضاء المخلوقین بسخط الخالق» (۲: بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۳۷؛ مثیرالاحزان، ص ۱۰۲؛ اللهوف، ص ۱۸۶)؛ تو حاضری خوشحالی و رضایت یزید را با ناراحتی خدا عوض کنی؟ تو حاضری خدا از تو به خاطر خوش آمدن این حاکمان غضبناک شود؟ و این بدبختی است که یک کسی حاضر شود این گونه خودش را به خطر اندازد.

۲- اعتدال و میانه‌روی

یکی دیگر از معانی «صراط مستقیم»، اعتدال است؛ یعنی نه افراط و نه تفریط. گفته‌اند مواظب باشید بیماری وسواس نگیرید، نگفته‌اند بی‌مبالاتی، هر دو خطرناک است. پیغمبر خدا از کنار قبری در قبرستان عبور می‌کرد، فرمود: این فرد دارد عذاب می‌شود، یک قبر هم آن طرف بود، فرمود: او هم دارد عذاب می‌شود. سؤال کردند: یا رسول‌الله، این چرا و آن چرا؟ فرمود: این فرد سخن چین بود، و آن فرد «لا یستبرأ من البول»؛ به نجاست و طهارت اهمیت نمی‌داد، بی‌مبالات بود. پس هر دو غلط است. عبدالله بن سنان

خدمت امام صادق(ع) آمد و گفت: آقا، همسایه‌ی ما وسواس دارد، خیلی آب می‌ریزد حضرت فرمود: «**یطیع الشیطان**» (۱: الکافی، ج ۱، ص ۱۳۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۶۳)؛ او مرید شیطان است. نفرمود: انسان خوبی است، آن قدر می‌خواهد بندگی خدا را بکند که وسواس به خرج می‌دهد، فرمود: انسان وسواسی بنده‌ی خدا نیست، او اطاعت شیطان را می‌کند. این فرهنگ ائمه‌ی ماست. از یک طرف وسواس بد است. از طرف دیگر بی‌مبالاتی هم بد است، اهمیت ندادن به طهارت و نجس بودن هم بد است؛ لذا باید اعتدال را رعایت کرد. این که فرمود یک معنای صراط مستقیم اعتدال است همین است.

اعتدال در مسایل اقتصادی؛ قرآن می‌گوید: آن قدر مالت را به دیگران نبخش که خودت فقیر شوی، آن قدر هم ممسک نباش که به کسی کمک نکنی؛ «**و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا**» (۲: نه اسراف، نه اقتار. قرآن می‌گوید: یکی از بنده‌های خوب خدا کسانی هستند که وقتی انفاق می‌کنند اسراف نمی‌کنند. اگر پانصد تومان دارد، چهار صد ونود تومانش را نمی‌دهد که ده تومان در جیبش بماند و خودش محتاج شود. شخصی پیش پیغمبر آمد و گفت یا رسول‌الله، پانصد درخت خرما داشتم همه را به فقرا دادم. حضرت فرمود: کار بدی کردی. فکر می‌کرد حضرت او را تشویق می‌کند، اما فرمود: کار بدی کردی. آیه نازل شد: «**و اتوا حقه یوم حصاده**»؛ باید از آن جایی که می‌چینید به اندازه‌ی حق فقرا به آنها بدهید» (۳: لا تسرفوا)؛ حتی در انفاق اسراف نکنید. روایت داریم به پیغمبر خبر دادند شخصی از دنیا رفته هر چه مال داشته، آن را به فقرا داده است، حضرت فرمود: مگر زن و بچه نداشته است؟ گفتند: بله، زن و بچه داشته است. فرمود: اگر خبر می‌شدم نمی‌گذاشتم او را در قبرستان مسلمان‌ها دفن کنید. اگر خودش خانواده داشته، چرا قبل از مرگش همه را بخشیده، باید برای این‌ها باقی می‌گذاشت. (۱: داستان راستان، ج ۱، ص ۴۰)؛ این یعنی اسراف در انفاق. از آن طرف اقتار هم بد است. شخصی مرد، انبار خرما داشت. وصیت کرد که رسول خدا این خرماها را برایش صدقه بدهد. حضرت هم همه را صدقه داد، روز آخر که همه‌ی خرماها را صدقه داده بود وارد انبار شد دید یک عدد خرما روی زمین افتاده، فرمود: اگر این دانه‌ی خرما را با دست خودش صدقه می‌داد، بهتر از این انباری بود که بعد از مرگش من برایش صدقه دادم. تا می‌توانید برای امام حسین(ع) خرج کنید. تا دارید به فقرا برسید، معلوم نیست بعداً برای ما خرج کنند، معلوم نیست بعداً این پولها را بدهند. در روایت داریم بعضی‌ها فردای قیامت نگاه می‌کنند می‌بینند رشد فرزندان و خاندانشان از آنها بیشتر است، آنها دارند وارد بهشت می‌شوند و مقامشان عالی است، می‌پرسند: شما چگونه به این مقام رسیدید می‌گویند با اموالی که شما برای ما گذاشتید، ما آنها را در مسیر درست برای خودمان خرج کردیم، و توانستیم به این رشد برسیم. این‌ها تأسف می‌خورند که چرا خود ما نتوانستیم از مالمان در مسیر صحیح استفاده کنیم؟ امام صادق(ع) این آیه را برای اسراف در انفاق قرائت نمود: «**الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا**» (۲: انفاق که می‌کنید اسراف نکنید، بخل هم نداشته باشید. ائمه‌ی ما با زبان عامه صحبت می‌کردند، ثقیل صحبت

کردن خیلی هنر نیست، باید به گونه‌ای صحبت کنید که همه بفهمند و متوجه شوند. پیامبر فرمود: «إنا معاشر الأنبياء أمرنا أن نكلم الناس على قدر عقولهم» (۳: الکافی، ج ۱، ص ۲۳؛ بحارالانوار، ج ۱، ص ۸۵، تحف العقول، ص ۳۷)؛ هنر پیغمبراین بود که بالاترین معانی را با ساده ترین الفاظ بیان می کرد. امام رضوان الله تعالی علیه وقتی صحبت می کرد وقتی کاپیتولاسیون و مسائل سیاسی را تحلیل می کرد کشاورز متوجه می شد، نانوا هم متوجه می شد، استاد دانشگاه هم متوجه می شد. با الفاظ بازی کردن هنر نیست، باید مطلب را به گونه ای گفت که مردم متوجه شوند. امام صادق دست مبارکش را زیر سنگ ریزه ها برد و بالا آورد طوری که همه ی آنها ریخت، فرمود: خوب این یک. باز دوباره دستش را زیر سنگ ریزه ها برد و بالا آورد، مشتش را بست به گونه ای که هیچ نریخت، گفت: این هم دو. در مرحله ی سوم دستش را بالا آورد انگشتانش را باز کرد همه سنگ ها ریختند، بعد حضرت فرمود: معنای آیه ی «و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا»، این است. اسراف در انفاق ان اولی است هرچه داری بدهی تا دست خودت خالی شود، بخل در انفاق دومی است؛ چنان سفت بگیری که کسی نتواند استفاده کند. اعتدال سومی است، انگشتان را باز کرده بود هم ریخت و هم ماند (۱: الکافی، ج ۴، ص ۵۴؛ وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۵۵۹؛ تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۱۵۱).

پس اعتدال در اقتصاد، اعتدال در اعتقاد و اعتدال در عبادت یک معنای صراط مستقیم است.

۳- ائمه

اما معنای دیگر صراط مستقیم، امام معصوم است. امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «أنا الصراط المستقیم» (۲: غیبه النعمانی، ص ۱۶۵؛ الفضائل، ج ۱، ص ۱). در زیارت جامعه ی کبیره می خوانید: «أنتم الصراط الأقوم» (۳: من لاحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۳؛ التهذیب، ج ۶، ص ۹۷)؛ اگر بخواهید راه مستقیم را بشناسید باید اهل بیت را بشناسید. وقتی امام حسین (ع) به طرف عراق می رفت، آقای بی به نام بشر بن غالب اسدی کوفی پیش حضرت آمد. و حضرت از او درباره ی مردم عراق پرسید، گفت: «القلوب معک و السیوف مع بنی امیه»؛ دل هایشان با شماست، اما شمشیرها با بنی امیه. امام حسین فرمود: «صدق أخو بنی أسد إن الله یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید»؛ راست گفתי برادر اسدی که خدا هر چه بخواهد می کند و به آنچه اراده ی او است حکم خواهد نمود. (۴: بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۷؛ الهوف، ص ۶۶؛ شاگردان مکتب ائمه، ج ۱، ص ۱۵۰)؛ البته امام حرفش را می زد و نکته را می گفت اما آنها یا درک نمی کردند یا خودشان را به آن راه می زدند.

حضرت به خیلی ها مانند عبدالله بن عمر، عبدالله بن زبیر، عبدالله بن مطیع، عبیدالله حر جعفی به طور صریح، مستقیم و غیر مستقیم گفت که باید دنبال من بیاید، ولی نمی آمدند. خیلی ها کم توفیق بوند، بالاخره بحث کشته شدن و جان دادن بود، هر کسی در این میدان نمی ایستد، قرآن می فرماید: «یوم ندعوا کل

أناس بإمامهم» (۱: اسراء، ۷۱) فردای قیامت هر ملتی با رهبرش به صحرای محشر می‌آید و هر ملتی با امام و پیشوایش می‌آید.

در مکه یا مدینه به یکی از آقایانی که بحث می‌کرد گفتیم: شما این آیه را معنا کنید: «یوم ندعوا کل أناس بإمامهم»، الان امام شما کیست؟ قرآن می‌فرماید: هر امتی یک امام و پیشوا دارد. اگر از ما سؤال کنند می‌گوییم امام ما حجة بن الحسن ارواحنا فداء است که در پس پرده‌ی غیبت است و ظهور می‌کند. قبل از او حضرت عسگری امام بوده است. از ابتدا روی زمین امام و معصوم بوده است. حتی روزی که دو نفر روی کره زمین بوده‌اند یکی از آنها معصوم و امام بوده و آن آدم ابوالبشر پیغمبر بود. اگر قرار شود روزی هم روی زمین هیچ کس نباشد جز دو نفر، یکی از آنها امام است، این اعتقاد ماست. گفتیم الان امام شما کیست؟ اصلاً تو این آیه را معنا کن: «یوم ندعوا کل أناس بإمامهم». مقداری تأمل کرد و گفت: باشد برای بعد، باید معنای امام را نگاه کنم بینم معنایش چیست؟ شادی معنایش پیغمبر باشد، خلاصه شانه خالی کرد و از بحث گریخت. پیامبر در تفسیر این آیه فرمود: هر گروهی با پیشوایش محشر می‌شود، «یدعی کل قوم بإمام زمانهم و کتاب الله و سنه نبیهم» (۲: عدهای با امام و پیشوایی که دعوت به هدایت می‌کند؛ امام نور محشر می‌شوند و عدهای با امام نار. جامعه‌ی بی پیشوا نمی‌شود حتی، جامعه و جبهه‌ی کفر، پیشوا می‌خواهد. پیغمبر می‌فرماید: اگر سه نفر در یک جا باشند، باید یکی از آنها مسئول باشد. در یک سفر باید یک نفر تصمیم گیرنده باشد، فرمود: بعضی از پیشوایان، مردم را به هدایت دعوت می‌کنند و بعضی‌ها به گمراهی. یک معنای صراط مستقیم که در روایت داریم هر کس صراط مستقیم را بشناسد از صراط باریک قیامت عبور می‌کند و معطل نمی‌شود، امام معصوم و حجت خداست. امروز در واقع روز شهادت شخصیتی است که مصداق صراط مستقیم الهی بود، یعنی آن کسانی که می‌گفتند: «اهدنا الصراط المستقیم»، در واقع امروز شاهد شهادت شخصیتی بودند که مصداق این آیه‌ی شریفه بود. بنابراین یک معنای صراط مستقیم این است که انسان امام و حجت خدا را بشناسد و در مسیر او حرکت کند. لذا یکی از عمده‌ترین درس‌های عاشورا امام شناسی است که یکی از معانی صراط مستقیم است.

گریز و روضه :

کاروان وارد کربلا شدند. عقیله‌ی بنی هاشم می‌خواستند پیاده شوند همه‌ی محرم‌ها دور و برش را گرفتند؛ عباس، قاسم و همه‌ی برادرانش آمدند. امام حسین (ع) همین که می‌خواست خیمه‌ای را نصب کند، اصحابش دویدند؛ آقا جان، اجازه بدهید ما خیمه را نصب کنیم. با چه عظمت و ابهتی اهل بیت در سرزمین کربلا پیاده شدند! یا بقیة الله! این یک فرود بود؛ یعنی روز دوم محرم در کربلا یک خروج هم صبح یازدهم از کربلا دارند زینب آمد سوار بشود نتوانست. هر چه نگاه کرد کسی را ندید. هر چه نگاه کرد هیچ محرمی را

ندید. شاید در ذهنش خطور کرد روزی را که در این سرزمین پیاده شد همه‌ی محرم‌ها و برادرانش بودند. زینب آمد قتلگاه، گفت: برادر همه را سوار کردم، اما خودم مانده‌ام.

بأبي المَهْمُومِ حَتَّى قَضَى بأبي العَطْشَانِ حَتَّى مَضَى (بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۹۵؛ اللهوف، ص ۱۳۰)

در میان خیمه زیبای تو ناله دارد خواهر شیدای تو

خیمه‌ها بوی عجیبی می‌دهد بوی جان سوز غریبی می‌دهد

خیمه‌ها معناگر یک مطلبند مظهر آوارگی زینبند

خیمه‌ها بوی اسیری می‌دهد خیمه‌ها بوی یتیمی می‌دهد